

لزوم تفکیک اثرات هدفمندی یارانه ها و هدفمندی تحریم ها بر بخش تولید

محمدرضایی پور، کارشناس اقتصادی

جهان صنعت

اقتصاد ایران در چند سال اخیر دستخوش تغییراتی شده است که این تغییرات از دو دسته عامل نشات می گیرند. یکی از این عوامل اجرای فاز اول هدفمندی یارانه ها است که به موجب آن در دی ماه ۱۳۸۹ بعد از حدود نیم قرن اعطای یارانه های گسترده، نظام یارانه ها ایران با هدف باز توزیع عادلانه وارد فاز اصلاحات شد. عامل دوم موثر بر تحولات اخیر اقتصاد ایران، هدفمند شدن تحریم های کشورهای اروپایی و آمریکا بر علیه ایران می باشد. جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با تحریم های متعدد اقتصادی و غیراقتصادی یکجانبه یا چندجانبه روبرو بوده است. این تحریم ها علی رغم اینکه از تعدد بالایی برخوردار بودند اما تا سالهای اخیر شامل اجماع بین المللی و تمرکز در هدف گذاری نبودند و بیشتر بشکل یکطرفه از سوی آمریکا اعمال می شدند. اما موضوع دستیابی ایران به انرژی هسته ای بهانه ای شد تا آمریکا کشورهای اروپایی را نیز با خود همراه سازد و تحریم علیه ایران در حوزه های مالی، بانکی، بیمه، صادرات نفتی، واردات و ... را بشکل هدفمند پیگیری نماید.

بدیهی است که در چنین شرایطی جهت دریافت بازخورد صحیح از تاثیرات مستقیم تحریم و سیاست هدفمندی یارانه ها باید از متدولوژیهای بهره گرفت که قادر به تفکیک قدرت توضیح جداگانه حذف یارانه و تحریم بر اقتصاد ایران باشد. این درحالی است که بررسی محتوای دیدگاه کارشناسان در خصوص اثرات هدفمندی یارانه ها بر متغیرهای اقتصادی ایران مبین این واقعیت می باشد که دیدگاه های کارشناسی در برخی از موارد بدون در نظر گرفتن اثرات تحریم، شرایط کنونی اقتصاد ایران بخصوص مشکلات بخش تولید را معلول هدفمندی می دانند.

بطور مثال دیده شده است که برخی از تحلیل ها، تغییرات شاخص قیمت تولید کننده یعنی تغییرات قیمت کالاها و خدماتی که بنگاه های تولیدی برای تولید کالا و خدمات دریافت می کنند را مبنای تحلیل شرایط اقتصادی تولید کنندگان قرار می دهند و تغییرات این شاخص را در سال ۱۳۹۱ نسبت به نقطه شروع فاز اول هدفمندی ارزیابی می نمایند. یعنی تحلیل می نمایند حالا که بر اساس آخرین

آمار بانک مرکزی شاخص قیمت تولید کننده در شهریور ماه ۱۳۹۱ به حدود ۳۵۰.۵ واحد رسیده است، نسبت به دیماه ۱۳۸۹ که این شاخص ۲۴۰.۳ بود، هزینه های تولید کنندگان ایرانی ۴۶ درصد افزایش یافته است. این درحالی است که بلحاظ منطقی شرایط هدفمندی یارانه ها باید در بازه زمانی دی ماه ۱۳۸۹ تا دی ماه ۱۳۹۰ که شاخص مذکور ۲۹۰ بوده، بررسی شود. زیرا دقیقا از ابتدای زمستان ۱۳۹۰ تحریم های هدفمند کشورهای اروپایی از کانال افزایش نرخ ارز شروع به تاثیر گذاری بر بخشهای اقتصادی کشور کردند.

با در نظر گرفتن چنین رویکردی، اگر تغییرات شاخص قیمت تولید کننده مبنای تحلیل تغییرات هزینه های تولید انتخاب می شود. باید سهم انرژی در هزینه های عملیاتی بخش های مختلف تولیدی محاسبه شود. بطور مثال ترکیب هزینه های عملیاتی و سهم از کل هزینه در بخش صنعت شامل مواد اولیه ۸۲ درصد، خدمات فنی ۲ درصد، هزینه تامین مالی ۹ درصد، برق ۱.۲ درصد، مالیات ۱ درصد، نیروی کار ۱۰ درصد و سوخت مصرف شده ۰.۸ درصد می باشد.

آمار مذکور حاکی از سهم پائین انرژی در هزینه های عملیاتی تولیدکنندگان صنعتی است. با عنایت به اینکه فاز اول هدفمندی دولت تنها قیمت حاملهای انرژی را از ۹۴ درصد در برق تا ۴۹۰۰ درصد در گاز مایع افزایش داد، بنابراین هدفمندی یارانه ها سهم چندانی در افزایش هزینه های تولید نداشته است. این درحالیست که از دیماه ۱۳۹۰ به بعد افزایش هزینه ها بیشتر شامل تبعات منفی تحریم می باشد. زیرا در بازه زمانی ۱۳۸۹/۱۰ تا ۱۳۹۰/۱۰ هزینه های تولید کننده تنها تحت تاثیر افزایش قیمت حاملهای انرژی و میزان انرژی بر بودن بنگاه بوده اما پس از آن افزایش نرخ ارز و محدودیتهای واردات مواد اولیه و واسطه ای منجر به تغییرات دیگری در هزینه های تولید شده اند.